



## تعمیق اخلاق مداری زمینه ساز پایبندی به حقوق شهروندی

### 1- سرور بابائی

فارغ التحصیل کارشناسی ارشد مدرسی معارف گرایش اخلاق ، دانشگاه تهران، ایران

Email: sorur.babaei@ut.ac.ir

### 2- محمدرضا بهاری

استادیار دانشکده معارف اسلامی ، دانشگاه تهران، ایران

Email: bahary.mohammadreza@ut.ac.ir

## چکیده

اخلاق بهترین ضامن برای اجرای قوانین و مقررات است. لذا می‌توان اصلاح اخلاق را زیربنای اصلاح جامعه دانست. از آنجا که اخلاق یکی از پایه‌های مهم در تحولات اجتماعی و فرهنگی جوامع انسانی است، نگرش وسیع و بنیادی به مسأله اخلاق مداری، علاوه بر تأثیرات روان‌شناختی و فرهنگی در جامعه، به رعایت اصول و قوانین موجود در جامعه و احترام به باید ها و نبایدها کمک شایان می‌کند.

در پژوهش حاضر، تلاش شده است با شیوه تحلیلی - توصیفی و با ابزار کتابخانه‌ای، زمینه‌ساز بودن تعمیق اخلاق مداری برای پایبندی به حقوق شهروندی مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

در همین راستا اگر بخواهیم اخلاق مداری در جامعه رعایت شود، لازم است که با آموزش اخلاق از کودکی تا هر زمان که امکان آموزش وجود دارد، افراد جامعه در ابتدا پایبند به اخلاق باشند و فضایل اخلاقی در آن‌ها ملکه شود؛ آنگاه با تعمیق اخلاق مداری در افراد به جهت درونی بودن اخلاق و نهادینه شدن اخلاق در جامعه، شاهد پایبندی به حقوق شهروندی خواهیم بود.

در این پژوهش نتیجه گرفته شد که اگر جامعه برمدار فضایل اخلاقی و سرمایه‌های اجتماعی شکل بگیرد، شاهد جامعه سعادت‌مندی خواهیم بود که در آن حقوق شهروندی در حد اعلا رعایت خواهد شد؛ که لازمه آن تقویت فضایل اخلاقی همچون، ایمان به خدا، تقوا، عدالت، انصاف، صبر و شناخت موانع تأثیر اخلاق‌مداری، از جمله موانع بینشی و موانع رفتاری، می‌باشد؛ ضمن اینکه با جریان داشتن اخلاق مداری در جامعه و بالا رفتن سرمایه‌های اجتماعی می‌توان میزان رعایت حقوق شهروندی در جامعه را مورد بررسی قرار داد.

کلیدواژه‌گان: اخلاق مداری، حقوق شهروندی، پایبندی به حقوق شهروندی، عوامل اخلاقی، موانع، سرمایه‌های

اجتماعی.

## طرح مسأله

یکی از مفاهیم مهمی که در پایداری به حقوق شهروندی تأثیرگذار است مفهوم اخلاق‌مداری است. امروزه با پیچیده‌تر شدن روزافزون جامعه، افزایش میزان کارهای غیراخلاقی و غیرقانونی در محیط‌های اجتماعی، توجه به ایجاد و حفظ جو اخلاقی در بستر جامعه ضروری شده است. اخلاق‌مداری نشان‌دهنده حفظ ارزش‌های اخلاقی، انتظارات رفتاری و نشانگر تأثیر اخلاقیات بر تصمیمات اعضای جامعه هست.

جایگاه اخلاق در زندگی اجتماعی تا بدان جاست که حتی عمل کردن به قوانین و مقررات اجتماعی نیز بدون پشتوانه اخلاق‌مداری ممکن نیست و اخلاق بهترین ضامن برای اجرای قوانین، مقررات است. از این رو مباحث اخلاقی از مهم‌ترین هدف‌های رعایت حقوق شهروندی می‌باشد.

اگر بخواهیم در شهری با آرامش و صلح اجتماعی زندگی کنیم، باید بتوانیم شرایطی را فراهم کنیم که افراد یعنی واحدهای تشکیل دهنده جامعه موردنظر بتوانند و مایل باشند که حقوق و وظایف خود را درونی کنند. این درونی کردن اخلاق به ما امکان دهد که هزینه‌های اجرایی شدن حقوق و وظایف شهری را به حداقل ممکن برسانیم، چون در غیر این صورت این هزینه‌ها دائماً افزایش یافته و ما را به موقعیت‌هایی می‌رساند که ناچاریم کنترل اجتماعی را دائماً افزایش دهیم. از همین رو برخی کارشناسان بر این باورند که اهمیت حقوق شهروندی به حدی است که رابطه نزدیکی با حاکمیت دارد.

برنامه ریزان، سیاستمداران و نخبگان اجتماعی با طرح اخلاق‌مداری و حقوق و تعهدات ملازم آن در گفتمان‌های عمومی، سعی بر آشنا و آگاه نمودن شهروندان از حقوق و تعهداتشان و نیز برانگیختن آنان به مشارکت در اجرای این حقوق و تعهدات داشته‌اند. اجرای این حقوق در گرو اجرای تعهدات و رعایت اخلاق است و تنها در صورت اجرای این تعهدات شهروندان می‌توانند حقوق خود را محقق سازند.

هر چه اخلاق‌مداری، احترام متقابل و رعایت اخلاقیات از سوی شهروندان صورت گیرد به تبع آن حریم‌های افراد، حقوق و تکالیف هر شهروند رعایت خواهد شد. لذا سوال اینجاست که آیا با نهادینه کردن اصول اخلاقی راه برای به فعلیت رساندن حقوق شهروندی، احقاق حق و پایداری به حقوق شهروندی را، می‌توان هموار ساخت؟ و آیا می‌توان با تعمیق اخلاق‌مداری، زمینه پایداری به حقوق شهروندی در جامعه را محقق کنیم؟

در پژوهش حاضر ضمن بیان عوامل اخلاقی و موانع تأثیر اخلاق‌مداری در پایداری به حقوق شهروندی و بررسی شاخص‌های اخلاقی پایداری به حقوق شهروندی، تلاش شده است تا با تعمیق اخلاق‌مداری، زمینه‌ای برای رعایت حقوق شهروندی ایجاد شود.

## پیشینه

با بررسی‌هایی که نگارنده در مورد پیشینه‌ی مسأله پژوهش حاضر در مقالات و پایان‌نامه‌ها و کتب انجام داده است، پژوهشی که به تبیین مسأله مقاله حاضر بپردازد نیافته است، البته پژوهش‌های مشابهی در این زمینه صورت گرفته است که در ذیل گزارشی از مهمترین آنها ارائه می‌شود.

## الف - مقالات:

1- اخلاق و حقوق ، ناصر کاتوزیان ، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری ، سال دوم ، شماره های 1 و 2، بهار و تابستان 1386. نویسنده در این پژوهش ، برای بررسی رابطه اخلاق و حقوق ، ابتدا مفهوم اخلاق و حقوق را مورد بررسی قرار داده است و در ادامه با بیان نظر طرفداران اخلاق اجتماعی ، تئوری اخلاق والای اجتماعی را ارائه می دهد ، که بر اساس آن اخلاق محسنه را باید در خلق و خوی محسنین ، جستجو کرد .ایشان با بیان این نظریه ، تنها به همین مقدار کفایت نموده و وارد مصادیق اخلاقی نمی شود .

2- اخلاق مداری مبنای ارتقاء حقوق شهروندی ، نویسندگان: محمود قیوم زاده روح الله جهانگیری مقدم، پژوهش های اخلاقی ، سال پنجم ، زمستان 1393 شماره 2

در این تحقیق دریافتند که اخلاق در سطح جامعه زمانی به فزونی می‌انجامد که مؤلفه‌های حقوق شهروندی از سوی حاکمان رعایت شود.

3- رابطه اخلاق شهروندی و حقوق شهروندی (نقدی بر نظریه عدالت جان راولز)، امین رستم زاده، اکبر رمزی، همایش سراسری تبیین حقوق شهروندی، ارومیه ، 1394

بر اساس استدلال این تحقیق ، رابطه مستقیم و دوسویه بین اخلاق شهروندی و حقوق برقرار است ، که بدون رعایت حقوق شهروندی امکان ایجاد جامعه ای بر مدار اخلاق ، نخواهد بود .

#### ب) پایان نامه ها

1- مناسبات میان اخلاق و حقوق شهروندی، پایان نامه کارشناسی ارشد 1396، پدیدآور: علیرضا اخوان کفاش استاد راهنما: لیلا میرید، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تفت

در این پایان نامه ، با بررسی اینکه دولت ها بهترین سرلوحه در تحقق اخلاق شهروندی هستند، نتیجه گرفته شد که اگر دولت سازکار و نهادهای متولی آموزش را در مورد اخلاق شهروندی فعال کند، حقوق شهروندی به فلسفه وجودی خود خواهد رسید. ایشان هدف تحقق حقوق شهروندی را حاکمیت اخلاق بر روابط میان اتباع با یکدیگر و نیز با حاکمیت دانست و شکل گیری اخلاق شهروندی را منوط به تحقق زمینه های حقوق شهروندی بیان کرد.

2- حقوق شهروندی از منظر فقه و اخلاق، پدیدآور: امیر عباسی قلعه شاهی، استاد راهنما: ابوالقاسم فنایی، کارشناسی ارشد، 1398، رشته :الهیات و معارف اسلامی ، دانشگاه ادیان و مذاهب، دانشکده فلسفه

در این تحقیق نسبت حقوق شهروندی با حقوق بشر و همچنین توجیه فقهی و اخلاقی حقوق شهروندی مورد بررسی قرار گرفته است . در بحث از منظر اخلاقی، مبنای اخلاقی حقوق شهروندی با توجه به سه مکتب فضیلت‌نگر ، وظیفه نگر ، و فایده نگر و دو مکتب رایج در فرهنگ اسلامی، یعنی معتزله و اشاعره بررسی شده است. در مورد حقوق شهروندی از منظر فقهی با استناد به دلایل قرآنی، روایی و عقلی و نیز قواعد فقهی ، برای پذیرش حقوق شهروندی توجیهی فقهی بیان شده و در پایان ، نگارنده تنها به برخی از مصادیق حقوق شهروندی اشاره داشته است .

#### ج) کتب

1- اخلاق شهروندی به روایت قرآن و نهج البلاغه ، مهدی قندی ، انتشارات بنیاد نهج البلاغه

در این کتاب ما با بخشی از خُلق و خوهای شایسته و بایسته‌ی شهروندی از دیدگاه اسلام آشنا می شویم.

2- ما و ما: گذری بر حقوق و اخلاق شهروندی، لیلا حیدری، محمدرضا ضمیری، ناشر: موسسه فرهنگی دین پژوهی بشرا، 1389. نگارنده با هدف ترویج «حقوق همگانی» در این کتاب بنا دارد حقوق شهروندی را در کنار تکلیف شهروندان با مفاهیم ساده و روان به عموم مردم یادآوری کند؛ بدین منظور نخست درباره قوانین و مقررات در زمینه حقوق شهروندی توضیحاتی را ارائه می‌دهد، سپس به بیان پرونده‌های مفتوحه، در قالب 6 داستان پرداخته است.

در پایان باید گفت در تحقیقات انجام‌شده به رعایت اخلاق شهروندی و حقوق بیشتر پرداخته‌شده است و نقش اخلاق‌مداری با پایبندی به حقوق شهروندی موردتوجه نبوده و تحقیقی در این زمینه صورت نگرفته است. لذا تحقیق حاضر در این راستا صورت خواهد گرفت.

## 1- مفهوم شناسی

### 1-1- اخلاق

5 اخلاق جمع خُلق هست. به معنای سرشت، خوی، طبیعت و امثال آن؛ که به معنای صورت درونی و باطنی و ناپیدای آدمی به کار می‌رود که با بصیرت درک می‌شود. (زبیدی، بی تا، ج 5، ص. 257)

از نظر فارابی، اخلاق عبارت است از «آن هیئت نفسانی که موجب می‌شود افعال انسان و عوارض نفسانی او ستوده یا نکوهش شود». اگر آن هیئت نفسانی، شناخت انسان را نیکو و موافق با واقع سازد «خلق جمیل» و اگر در جهت عکس آن باشد، «خلق قبیح» نام دارد. (فارابی، 1371، ص. 181)

### 1-2- تعمیق اخلاق‌مداری

اخلاق‌مداری، مجموعه قواعدی است که باید افراد داوطلبانه و بر اساس ندای وجدان و فطرت خویش در انجام رفتار رعایت کنند، بدون آن‌که الزام خارجی داشته باشند یا در صورت تخلف، به مجازات قانونی دچار شوند. (باقری، 1398، ص. 24) منظور از تعمیق اخلاق‌مداری، افزایش آگاهی، عمل به ارزشهای اخلاقی در سطح فردی و اجتماعی است. این فرایند شامل تقویت ارزشهای اخلاقی، تقویت احساس مسئولیت، و احترام به حقوق دیگران است.

از آنجا که اخلاق، انسان را به سوی وظایف فردی و اجتماعی سوق می‌دهد (قطب، 1360، ص. 119) وقتی اخلاق در جامعه از یاد برود، پستی‌ها و رذایل، صفحه پاک ضمیر وجود انسان را می‌پوشاند، لذا دیگر به هیچ اصولی پای بند نیست تا او را از انجام جنایت و تجاوز به حقوق افراد، باز دارد. (ابن خلدون، 1336، ص. 322)

از جمله رسالت پیامبران (ص) و امامان معصوم (ع) تصحیح منش و رفتار انسان و کاشتن بذر کمالات اخلاقی و خصال متعالی آدمی در نهاد جان انسانها بوده است؛ (محدثی، 1381، ص. 54) این مطلب بیانگر ضرورت اخلاق در زندگی بشر می‌باشد تا او را به سعادت و کمال برساند. چنانکه پیامبر اکرم (ص) نیز فرمودند: "انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق" همانا من برانگیخته شده‌ام تا فضایل اخلاقی را به کمال برسانم. (جمعی از نویسندگان، اندیشه دینی، 1383، ص. 59) در جامعه اسلامی یک سلسله قوانین و مقرراتی در زمینه‌های فردی و اجتماعی، مادی و معنوی وجود دارد که بطور مشخص وظایف فرد و جامعه را معین میکند، این قوانین و مقررات اگر ضمانت اجرا نداشته باشد اثری ندارد. از این روست که قوانین کیفری و جزائی تدوین گردیده تا آنها که نقض قانون میکنند و حدود مقررات الهی را محترم نمی‌شمارند تأدیب و مجازات شوند. دستیابی انسان به قوانین و پذیرش حاکمیت آن تا حدی زمینه را فراهم نموده است تا

جامعه به حیات خود ادامه دهد ولی حوادث تلخی که به دست مدعیان قانون و قانونگذار در قالب قتل و کشتار و چپاولگری رخ می دهد، نشان داد که انسان به عامل اخلاق نیاز اساسی دارد. (دین پرور ، 1362، ص 16)

پس کارآمدترین ضامن اجرای قانون، امری درونی است که انسان را وادار به اطاعت از قوانین الهی میکند و آن عامل عبارت است از اخلاق الهی که اگر این حالت در روح آدمی پدید آید، جامعه رو به صلاح و فلاح خواهد رفت .

تعمیق اخلاقمنداری در شهروندان جامعه ، باعث می شود که از روی ترس خود را ملزم به پیروی از قانون نکنند، بلکه تعمیق ارزشهای اخلاقی است که آنها را ملتزم میسازد و پذیرش قوانین و التزام به آن را برایشان به تنهایی، آسان بلکه لذت بخش می نماید.

### 1-3- حقوق شهروندی

حقوق شهروندی را می توان به مجموعه قواعد حاکم بر روابط اشخاص در جامعه‌ی شهری تعریف نمود. حقوق شهروندی جز حقوق ذاتی و فطری انسان‌ها است. همچنین این حقوق غیرقابل انتقال و تجزیه‌ناپذیر است، به این صورت که عناصر آن لازم و ملزوم یکدیگرند (قیوم زاده و جهانگیری مقدم، 1393)

حقوق شهروندی در واقع مجموعه حقوقی است که افراد به اعتبار موقعیت شهروندی خود دارا می شوند و نیز اطلاقی عام است بر مجموعه امتیازات مربوط به شهروندان و نیز مجموعه قواعدی که بر موقعیت آنان در جامعه حکومت می کند. بعضی از حقوق دانان حفظ نظم در جامعه را مهم ترین مصلحت‌ها برشمرده و قواعد حقوقی را مقرراتی می دانند، که از طرف قوای صالح دولت تضمین شده و هدف آن استقرار صلح و نظم در اجتماع است. بنابراین تعریف حقوق شهروندی یک مفهوم نسبتاً وسیعی است که شامل حقوق مدنی و سیاسی، اقتصادی و اجتماعی فردی هست، که چگونگی روابط مردم و دولت و مؤسسات شهری، و حقوق و تکالیف آنان در برابر یکدیگر را تنظیم می نماید که منشعب از حقوق اساسی در چارچوب قانون اساسی کشور است و به منظور رعایت و حفظ حقوق افراد و انسان‌ها در بخش کلان جامعه است» (کاتوزیان ، فلسفه حقوق، 1385)

### 1-4- پایبندی به حقوق شهروندی

پایبندی به حقوق شهروندی یعنی افراد جامعه نسبت به رعایت حقوق شهروندی در قبال هم تعهد داشته باشند. به گونه‌ای که این پایبند بودن به عنوان یک اعتقاد راسخ و استواری در رعایت قواعد حاکم بر روابط اشخاص جامعه باشد . (باقری ، 1398)

جامعه ، فقط مجموعه‌ای از آرا و عقاید و اراده‌های تک تک افراد نیست ، بلکه یک اراده جمعی و یک حیات جمعی نیز در جامعه حضور دارد . (مطهری ، 1372، ص. 52-56) پس خود جامعه اصالت دارد و به عنوان یک کل دارای وجدان هست و قابل تربیت شدن هست . پس باید دید چگونه می توان روح جامعه را اخلاق مدار کنیم؟ استاد مطهری، اجتماع بشری را مانند فرد می داند و برای آن ادوار مختلفی قائل است: دوره کودکی، دوره رشد و دوره بلوغ؛ و بر این عقیده‌اند که بشریت در ابتدا حالت یک کودک را دارد که قدرت دریافتنش ضعیف است و هر چه پیش می رود و رشدش بیشتر می شود، استعداد بیشتری پیدا می کند. (مطهری ، اسلام و نیازهای زمان ،مجموعه آثار، ج 21، 1381، ص. 90)

فارابی در مورد مدینه فاضله می گوید ، مردم همگی دارای فطرتی سلیم بوده و استعداد قبول معقولات را دارند و یکدیگر را برای تحصیل سعادت یاری می کنند. (فارابی، 1993م، ص. 75)

بشریت از ندانستن به سمت عقلانیت و دانستن می‌رود، ذات بشر عقل مدار است، ریشه اخلاق نیز عقل هست. جامعه مسیر عقلانیت خود را پیش می‌رود، برای اخلاق مدار بودن جامعه، باید جامعه را عاقل تر و معقول تر کرد و مردم را به عکس‌العمل‌ها و لوازم فعل‌ها و کارهایشان آگاه‌تر نماییم، در این صورت جامعه هر چه معقول‌تر باشد، اخلاقی‌تر خواهد بود.

در کلمات حضرت امیر نیز این سخن را به شکل دیگری می‌بینیم: «علموهم و کفی» (مردم را بیاموزانید و همین کافی است)؛ (مطهری، فلسفه اخلاق، 1370، ص. 315 و 316) برای مثال به مردم وقتی از آثار بیماری کرونا گفته می‌شود، مردم پروتکل‌های بهداشتی را بیشتر رعایت می‌کنند؛ حال در جامعه اگر روشن کنیم که اخلاق مدار بودن چه حسن‌هایی دارد، مردم هم رعایت خواهند کرد. در چنین جامعه‌ای اخلاقیات تبدیل به خلق خواهد شد و رفتارهای افراد بر اساس ملکات اخلاقی خواهد بود. لذا پایبندی در رفتار مردم نماد و بروز کامل پیدا می‌کند.

## 2- عوامل اخلاقی پایبندی به حقوق شهروندی

در ذیل این عنوان عوامل اخلاقی پایبندی به حقوق شهروندی، از جمله ایمان به خدا، تقوا، عدالت، انصاف و صبر، در جهت تعمیق اخلاق مداری، بررسی می‌شود.

### 2-1- ایمان به خدا

ایمان از ماده «أمن» به معنای اعتقاد (انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ج 1، 1381)، گرویدن، تصدیق (امینی، 1384)، اطمینان و آرامش نفس و از بین رفتن شک است و طبق فرموده قرآن؛ ایمان تسلیم توأم با اطمینان خاطر است. (حسینی دشتی، 1379، جلد دوم، چاپ اول، ص. 157) ایمان در اصطلاح شرع که به آن ایمان مذهبی نیز گفته می‌شود، چنین تعریف می‌شود: اعتقاد قلبی، اقرار به زبان و عمل کردن اعضا به ارکان دین و قبول شریعت. (عمید، 1382، ص. 88)

انسان خاطی تا زمانی که غرق در امواج گناه هست از حضور ناظری قوی غافل است؛ اما اعتقاد به آگاهی خدا بر همه چیز و حضور او در همه جا در انسان آن چنان نیرویی در برابر گناه به وجود می‌آورد که او را همچون سپری فولادین و نفوذناپذیر در برابر گناهان می‌کند (میرزا رضایی، 1383، ص. 136)

ایمان، مایه پایبندی انسان به ضوابط اخلاقی و احکام عملی است و مسلمانان از تعدی به حقوق یکدیگر می‌پرهیزند و بدین‌سان، جامعه اسلامی پیوسته در آرامش و آسایش است. مؤمن در رفتار و کردار و گفتار خویش، می‌کوشد تا به دیگران آسیب نرساند و بر کسی ستم نکند. رفتار او به گونه‌ای است که در برخی روایات آمده است: «مؤمن گویی لجام بر دهان دارد.» (صدوق م.، خصال، 1403، ص 229)

از وظایف دینی مؤمنان است که به یاری یکدیگر بشتابند و به آنچه در جامعه اسلامی می‌گذرد، حساسیت نشان دهند؛ چنانکه در روایتی از پیامبر اسلام (ص) پرداختن به امور مسلمانان، شرط مسلمانی دانسته شده است. همچنین در برخی روایات آمده است که آن مسلمانی بهتر است که نفع او برای مردم بیشتر است (نوری طبرسی، 1360، ج 2، ص

404)؛ (آمدی، 1410 ق، ص 390) بنابراین ایمان به خدا بروز و ظهور تقوا در جامعه را قوی‌تر می‌کند و افراد جامعه در پرتو ایمان و تقوا به حقوق دیگران احترام می‌گذارند.

## 2-2- تقوا

تقوا، صیانت نفس از نافرمانی خدا (راغب اصفهانی، 1412، ص 530) و احساس تعهد و مسئولیت در برابر خدا و جهت‌گیری درونی به سوی اوست تا انسان در خط شرع قرار گیرد و از ارتکاب حرام خودداری کند. (احمد بن فارس، 1404 ق، ج 6، ص 131) تقوا یعنی به خاطر خدا منفیاتی را دفع کردن و سپس به خاطر خدا مثبتات خاصی را در خود پرورش دادن. (راغب اصفهانی، 1412، ص 530)

طبق این تعاریف می‌توان گفت تقوا یک خصلت و خوی در وجود انسان است که انسان به واسطه‌ی وجود آن خصلت در درونش تابع عقل و شرع است و در عمل آنچه عقل و شرع می‌گوید انجام می‌دهد. تقوا در حوزه رفتار است. مربوط به ظهور و بروز است. اگر فرد متقی باشد رفتارهایی دقیق و عاقلانه خواهد داشت، مثلاً در خانواده احترام گذاشتن به یکدیگر عاقلانه‌ترین راه است و این احترام کیفیت زندگی را بالا می‌برد.

در قرآن اول از ایمان و سپس تقوا و به دنبال آن عمل صالح سخن به میان می‌آید. خداوند در سوره شعرا به این موضوع اشاره می‌کند که برخی رسولان آمدند و گفتند «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاطِيعُونَ»، تقوای خدا داشته باشید و از من اطاعت کنید. وقتی این آیه در کنار آیه «فَمَنْ أَتَقَى وَاصْلِحْ» قرار بگیرد، دانسته می‌شود که اطاعت از رسولان تنها با تقوا داشتن صورت نمی‌گیرد بلکه، اصلح، آن چیزی است که رسولان می‌فرمایند؛ در جامعه نیز تقوا همین رعایت حقوق شهروندی است، یعنی این ملکه در وجود فرد باشد که حقوق شهروندی را رعایت کند. در این جامعه افراد نه به زور و اجبار بلکه به خاطر آن شخصیت درونی و تقوای درونشان حقوق یکدیگر را رعایت می‌کنند. مثلاً هر موقع که پشت چراغ قرمز قرار بگیرند، توقف می‌کنند. و یا به‌طور مثال در شرایط کرونا، تقوا باعث می‌شود فرد برای سلامت خود و جامعه قوانین مربوطه را رعایت کند.

## 2-3- عدالت

عدل را به این صورت تعریف کرده‌اند: «اعطاء كل ذي حق حقه» بنابراین باید نخست موجودی را در نظر گرفت که دارای حقی باشد تا رعایت آن «عدل» و تجاوز به آن «ظلم» نامیده شود. ولی گاهی توسعه‌ای در مفهوم عدل داده می‌شود و به معنای «هر چیز را به جای خود نهادن یا هر کاری را به وجه شایسته انجام دادن» به کار می‌رود و به این صورت تعریف می‌شود: «وَضَعُ كُلِّ شَيْءٍ فِي مَوْضِعِهِ» که مطابق این تعریف، عدل مرادف با حکمت می‌گردد. (مهدوی کنی و تلخیص و تنظیم: محمد سلمانی کیاسری، 1388، ص 121)

عدالت که یکی از فضایل اخلاقی است، عاملی برای استحکام نظم اجتماعی، رعایت هنجارهای دینی و جلوگیری از ناهنجاری و کج‌روی به شمار می‌آید و احساس عدالت اجتماعی انگیزه‌ی مناسبی برای جلوگیری از ارتکاب جرم و ناهنجاری، (مطهری، 1366، ص 36) و در نتیجه رعایت حقوق دیگران است. پس عدالت اخلاقی واقعاً پشتبانه حقوق شهروندی است، زیرا به لحاظ وجدانی و درونی تأکید می‌کند که حقوق افراد را رعایت کنید و اگر رعایت نکنید، به لحاظ نظم اجتماعی، قوه قهریه باید شمارا وادار کند، پس اگر بخواهیم اخلاقی مسئله را نگاه کنیم اخلاق در درجه اول است.



#### 4-2- انصاف

رعایت انصاف یکی از ارزش‌های انسانی و اخلاقی بسیار مهم است که در دین اسلام به آن سفارش شده است. اهمیت مسئله‌ی انصاف تا جایی است که پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه و آله و سلم) یکی از نشانه‌های مؤمن واقعی را انصاف می‌دانند: «کسی که بخشی از مال خود را به فقیران بدهد و درباره مردم از جانب خود منصف باشد مؤمن واقعی است.» (شیخ صدوق، 1403، ص 48)

انصاف را در لغت به معنای عدل گرفته‌اند و انصاف با مسلمانان، یکی از مهم‌ترین و مؤکدترین تکالیفی است که خداوند متعال برای بندگان خویش مقرر کرده است. (انصاریان، زیبایی‌های اخلاق، 1386، ص 382) امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) نیز می‌فرمایند: «هرکس با مردم به انصاف رفتار کند، خدا جز بر عزتش نیفزاید.» (مجلسی، 1386، ج 72، ص 33) در جامعه اسلامی افراد باید با رفتار انسانی و اخلاق محمدی، و صفات علوی و فضائل جعفری، همواره مایه‌ی زینت و افتخار و آبروی ائمه طاهرين (علیهم‌السلام) باشند، نه مایه‌ی ننگ آنان. باید طوری باشند که ائمه بتوانند به شیعیان خود افتخار کنند. و این رعایت در جامعه اسلامی واجب‌تر است. می‌توان گفت یکی از بزرگ‌ترین وجه تمایز جامعه‌ی اسلامی، از دیگر جامعه‌ها، همان اخلاق نورانی اسلام است. در چنین جامعه‌ای افراد حقوق یکدیگر را ضایع نمی‌کنند و حقوق شهروندی رعایت خواهد شد.

#### 5-2- صبر

صبر، استقامت و پایداری نفس و عدم تشویش در سختی‌ها و مصیبت‌ها است؛ به‌نحوی که مقاومت کنی در برابر آن سختی‌ها و بلاها، و نفس خود را از سعه‌صدر و از آن حالت سرور و آرامشی که بر آن حاکم بوده است، خارج نکنی.

صبر مسئله‌ی مهمی است که در آیات قرآن و روایات معصومان علیهم‌السلام به‌صورت گسترده مطرح شده است. در اهمیت فوق‌العاده‌ی صابران همین بس که طبق آنچه از برخی آیات قرآن مجید استفاده می‌شود، پاداش آن‌ها بدون حساب است. آیه‌ی 10 سوره‌ی مبارکه‌ی زمر اشاره به این مطلب دارد: «أَنْ مَّا يُوقَى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ؛ تنها صابران را بدون حساب پاداش میدهند» طبق این آیه‌ی شریفه «صابران» برخلاف سایر مردم به‌حساب اعمالشان رسیدگی نمی‌شود، و اجرشان همسنگ اعمالشان نیست.

روایات بسیاری نیز در مورد صبر رسیده است، از جمله: امام صادق علیه‌السلام فرمودند: «قَالَ الصَّبْرُ فَضِيحَةً؛ کمی صبر عیب و رسوایی است.» (ابن شعبه حرانی، 1404ق، ج 2، ص 315) امام علی علیه‌السلام در چندین قسمت از نامه 31 نهج‌البلاغه به مسئله‌ی صبر پرداخته‌اند؛ از جمله می‌فرمایند: «إِطْرَحْ عَنْكَ وَاِرِدَاتُ الْهَمُومِ بِعَزَائِمِ الصَّبْرِ وَحُسْنِ الْيَقِينِ؛ غم و اندوه را با نیروی صبر و نیکویی یقین، از خود دور ساز.»

انسان باید باور کند، هر کاری از جانب خدا صادر شود، از قبیل تنگی و یا گشایش در روزی و هر کار خوف‌انگیز یا دلپسند که بندگان خدا گرفتار آن شوند، در اصل ذات بر طبق حکمت و مصلحت بوده است، و آنچه به‌صورت شر و خلاف مصلحت درمی‌آید، امری است عرضی که بهره‌برداری خیر از آن میسر نیست، زیرا انسان هرگاه یقین و باور داشته باشد، به دلیل علم و آگاهی که دارد، خویش را برای صبر و شکیبایی و دوری از غم و زاری و امثال آن آماده می‌سازد.

البته باید توجه داشت که صبر و استقامت در مقابل مشکلات چیزی است که با تمرین به دست می‌آید. باید آن قدر تمرین کنی و خویشتن را عادت دهی تا خلق و خوی تو گردد.

امام علی علیه السلام در قسمتی دیگر از نامه 31 نهج البلاغه می‌فرماید: «و عودَ نَفْسِكَ التَّصَبُّرَ عَلَى الْمَكْرُوهِ وَ نِعْمَ الْخُلُقُ التَّصَبُّرُ فِي الْحَقِّ»، خود را برای استقامت در برابر مشکلات عادت ده، که شکیبایی در راه حق عادتت پسندیده است. «که این فقره از نامه اشاره به این است که هر کار مثبتی با مشکلات و موانعی روبه‌رو است. هرگاه انسان صبر و استقامت برحق نداشته باشد، هرگز نمی‌تواند به آن دست یابد. چیدن یک گل بدون تحمل نیش و خار میسر نیست.

صبر زمینه فکر کردن در افراد ایجاد می‌کند، صبر تقوا و اراده را در انسان مستحکم می‌کند. اگر صبر نباشد زمینه برای رعایت ح شهروندی از بین می‌رود، اگر آستانه صبر مردم بالا رود، رعایت حقوق شهروندی نیز بالا می‌رود، اما در صورتی که صبر مردم بر اثر عواملی همچون جنگ یا ترس یا اوضاع سیاسی و یا ... کم شود، رعایت حقوق شهروندی نیز کم می‌شود. لذا صبر در رعایت حقوق شهروندی نقشی کلیدی دارد.

جامعه از افراد مختلف با اخلاق و روحیات متفاوت تشکیل شده است. لازمه داشتن زندگی مسالمت‌آمیز در جامعه، که منجر به احترام و رعایت حقوق افراد خواهد شد، برخوردار بودن از روحیه بردباری و سعه صدر است. تمام پیامبران الهی در برخورد با دیگران چنین بوده‌اند. وجود چنین روحیه‌ای انسان‌ها را به یکدیگر نزدیک‌تر می‌کند، حضرت علی در این باره می‌فرماید: «بِالْحِلْمِ تَكْثُرُ الْأَنْصَارُ» بردباری یاران را بسیار می‌گرداند. (آمدی، 1410، ج 1، ص 329)

پرورش صبر در افراد سبب رسیدن جامعه به رشد و استقلال خواهد شد. هرچه افراد جامعه میزان شکیبایی خود را در برابر مشکلات بیشتر کنند، در رسیدن به جامعه‌ای مملو از آرامش نقش مؤثرتری خواهند داشت. در روایات علت عقب‌ماندگی جوامع، عدم شکیبایی افراد در سختی‌ها معرفی شده است: «مَنْ لَمْ يَصْبِرْ عَلَى كَدِّهِ صَبَرَ عَلَى الْأَفْلَاسِ» (حکیمی، حکیمی، و مترجم: احمد آرام، 1395، ج 4، ص 318) هر کس بر رنج و کوشش صبر نکند باید ناداری را تحمل کند.

امام علی (ع) می‌فرماید: «فَالْإِيمَانُ عَلَى أَرْبَعِ دَعَائِمٍ، عَلَى الصَّبْرِ وَ الْيَقِينِ وَ الْعَدْلِ وَ الْجِهَادِ؛ فَالصَّبْرُ عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ، عَلَى الشُّوقِ...» «ایمان بر چهار پایه استوار است، شکیبایی، یقین، عدل و جهاد؛ و شکیبایی بر چهار گونه است: شوق و ترس و زهد و مراقبت. (حرانی، 1362، ص 273). با توجه به فرمایش گران قدر حضرت علی (ع)، اگر انسان‌ها به ارزش واقعی صبر و اثرات ارزشمند دنیوی و اخروی آن واقف گردند، هیچ‌گاه حاضر نمی‌شوند که آن را با لذت‌های زودگذر دنیوی، انجام گناهان، رعایت نکردن حقوق یکدیگر، حرکت‌های ناشایست و نازیبا عوض کنند.

### 3- رذایل اخلاقی مانع از پایبندی به حقوق شهروندی

موانع را در دو دسته بینشی و رفتاری بررسی می‌کنیم:

### 3-1- موانع بینشی

در دسته موانع بینشی، ردایل جهل و بی توجهی، مورد بررسی قرار می‌گیرد  
3-1-1- جهل: از نظر قرآن زیانکارترین مردم آن‌ها هستند که کار خلافی انجام می‌دهند و می‌پندارند که کارشان درست است. اسلام تقلید کورکورانه را طرد می‌کند و از انسانی که دارای شعور، عقل و درایت است انتظار دارد که عملی را از روی جهالت و نادانی انجام ندهد، بلکه ابتدا آگاهی پیدا کند، سپس مرتکب عملی شود.

در حدیثی از امیر المؤمنان حضرت علی و علیه‌السلام « می‌خوانیم « لو أن العباد چین جهلوا وقفوا لم یكفروا و لم یضلوا » (آمدی، 1410، ص 7582) اگر مردم در موارد ناآگاهی درنگ و تأویل می‌کردند هرگز به کفر و گمراهی نمی‌گراییدند. « جهل و نادانی منشأ بسیاری از گرفتاری‌های انسان است، که اگر درمان نشود روند زندگی مادی و معنوی انسان را دچار اختلال می‌کند و حتی انسان را در مسیر تباهی و ضلالت قرار می‌دهد.

"جهل و نادانی" یکی از مؤلفه‌هایی است که مانع رشد و تکامل انسان می‌شود و به همین دلیل است که اسلام نسبت به جهل و نادانی هشدارهای زیادی داده است. از جمله قرآن در آیه 199 سوره اعراف دستور می‌دهد که از نادان دوری کنید. همچنین روایتی از امام رضا (ع) وجود دارد که می‌فرماید: دوست هر شخصی برای رسیدن به کمال عقل اوست و دشمن او جهل وی هست. (حرآنی، 1362، ص 326) وقتی به اخلاق و اهمیت آن در جامعه توجه نشود، ضد ارزش‌ها، فرهنگ می‌شوند، مثلاً رشوه گرفتن، کلک زدن، نیرنگ زدن، بی‌حجابی ارزش می‌شود، دزدیدن از بیت‌المال ارزش می‌شود، عبور از چراغ‌قرمز در انتظار مردم زیرکی می‌شود، کلاه سر کسی گذاشتن زرنگی محسوب می‌شود و این‌ها مانع اصلی تحقق اخلاق‌مداری خواهد بود.

همچنین منشأ بسیاری از سوء رفتارهای خانوادگی نیز جهالت و نادانی است درحالی‌که خداوند نسبت به خانواده نیز سفارش زیادی فرموده است. قرآن در سوره شوری می‌فرماید: بگو زیانکارترین مردم کسی است که به خود و خانواده خود ضرر بزند. همچنین رسول خدا (ص) می‌فرماید: بهترین مردان امت من کسانی هستند که به زیردستان خود ظلم نمی‌کنند و به آنان نیکی می‌نمایند و ستم بر آنان را روا نمی‌دارند. (طبرسی ح.، 1377، ص 217)

یکی دیگر از آثار جهالت و نادانی نپذیرفتن حق و قانون است. افراد جاهل فکر می‌کنند هر کاری که دلشان می‌خواهد می‌توانند انجام دهند و هیچ تعهدی نسبت به اعمال و رفتار خود ندارند. به همین دلیل مقدمه و لازمه هر نوع فرهنگ‌سازی، آگاه کردن افراد تحت شمول آن است. بسیاری از تحولات تاریخ بشر زمانی رخ داده که مردم به سطح خاصی از آگاهی رسیده‌اند. به‌عنوان مثال تمدن اسلامی بعد از تلاش پیامبر گرامی اسلام (ص) در بالابردن آگاهی و معرفت مسلمانان رخ داد. اثرات جهل و نادانی نه تنها بر روند زندگی شخصی یک فرد تأثیر می‌گذارد، بلکه در روند زندگی اطرافیان و جامعه تأثیر می‌گذارد و هرچه بر آگاهی مردم افزوده شود پیشبرد امور راحت‌تر خواهد بود و کار فکری و فرهنگی مؤثرتر خواهد بود.

### 3-1-2- بی توجهی

ورود فرهنگ‌های بیگانه به جامعه ناشی از بی توجهی به مسائل فرهنگی و اجتماعی در جامعه است و جنگ نرم دشمنان و شبیه خون فرهنگی و برنامه‌های ضد فرهنگی، جامعه و کشورمان را هدف قرار داده است. امروزه با توجه به رشد فکری و

آگاهی عمومی ملت‌های جهان، استعمارگران روش نفوذ در کشورها را تغییر داده‌اند و از طریق سیاست‌های فرهنگی (با عناوین تبلیغ مذهبی، رواج فناوری، انجمن‌های خیریه، ترویج بهداشت و...) تلاش می‌کنند به اهداف شوم خود برسند زیرا فهمیده‌اند که بهترین راه نفوذ در سایر کشورها نفوذ در فرهنگ آنان و استحاله‌ی درونی آن است. در فرهنگ ملت‌ها از این اقدامات به هجوم فرهنگی تعبیر می‌کنند. پس عمل جایگزینی فرهنگ بیگانه با فرهنگ خودی به شکلی هوشیارانه که بتواند یک ملت و جامعه را نسبت به فرهنگ خود بیگانه و مطیع گرایز بیگانگان کند «تهاجم فرهنگی» محسوب می‌شود.

این واقعیت را دانشمندان غربی نیز اذعان دارند. میشل پانوف در توضیح اصطلاح فرهنگ پذیری به این استعمار فرهنگی غرب اشاره کرده و می‌نویسد: امروزه فرهنگ پذیری به تماس‌های خاص دو فرهنگ که نیروی نامساوی دارند اطلاق می‌شود در این صورت جامعه‌ی غالب که هماهنگ‌تر و از نظر فن مجهزتر است - معمولاً از نوع جوامع صنعتی - به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به فرهنگ حاکم تحمیل می‌گردد. (جاودانی شاهدین، 1388)

این محقق در تعبیر دیگر از این تهاجم در صورتی که به شکلی گسترده‌تر باشد می‌نویسد: هنگامی که فرهنگ غالب در انهدام ارزش‌های اجتماعی و روحیات سنتی جامعه مغلوب و برای گسستگی و سپس نابودی آن می‌کوشد، واژه قوم کشی را به کار می‌برند تا القای اجباری فرایند فرهنگ پذیری را از طریق فرهنگ غالب در فرهنگ مغلوب توصیف کنند. (جاودانی شاهدین، 1388)

در تعریف پدیده‌ی تهاجم فرهنگی دیدگاه رهبر معظم انقلاب قابل توجه است. از نظر ایشان در تهاجم فرهنگی یک مجموعه سیاسی یا اقتصادی برای رسیدن به مقاصد خاص خود و اسارت یک ملت، به بنیان‌های فرهنگی آن ملت هجوم می‌برد. در این هجوم، باورهای تازه‌ای را به‌زور و به‌قصد جایگزینی بر فرهنگ و باورهای ملی آن ملت وارد می‌کنند. (بیانات مقام معظم رهبری 71/5/21).

برای مقابله با تهاجم فرهنگی باید اولاً بینش دینی مردم تقویت شود، تقویت باورهای دینی و پی‌ریزی بینشی درست در زمینه‌ی تعالیم دینی و سیاست می‌تواند چون سنگری نفوذناپذیر مردم را در برابر بمب باران فرهنگی دشمن محافظت نماید و سود جویان غرب را ناکام و ناامید سازد و مردم را به جهت‌گیری صحیح رفتاری رهنمون شود و از کژروی و ناهنجاری‌ها بازدارد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «...يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ...»؛ (یونس / 9). پروردگارشان به سبب ایمانشان هدایتشان می‌کند. در این آیه سخن از هدایت انسان در پرتو ایمان به میان آمده است که فرد مؤمن از بسیاری فریبکاری‌ها و لغزش‌ها نجات می‌یابد. ثانیاً در اجرای فرهنگ‌سازی دینی برای مقابله با تهاجم فرهنگی دشمن، خودسازی متولیان فرهنگی و گام بعدی دیگر سازی است. امام صادق (ع) می‌فرماید: کونوا دعاء الناس باعمالکم، ولا تکنوا دعاء بالسننکم. (مجلسی، 1386، ج 5، ص 198) لذا تقویت بینش دینی مردم و متولیان فرهنگی، گامی در جهت تقویت اخلاق‌مداری در جامعه خواهد بود، چراکه مبانی اخلاق، برگرفته از دین اسلام است، وقتی دین رشد کند اخلاق‌مداری در جامعه رشد می‌کند که رشد اخلاق‌مداری در جامعه متضمن رشد رعایت حقوق شهروندی خواهد بود.

### 2-3- موانع منشی

در این بخش ردایل تکبر و غرور، بی‌صبری، ظلم، بی‌ادبی و خشونت رفتاری، مورد بررسی قرار می‌گیرد

### 3-2-1- تکبر و غرور

تکبر و غرور از جمله صفات رذیله و اخلاق سیئه انسان به حساب می‌آید و همواره چنین فرد متکبر و مغرور، اطرافیان خود را از دست داده و نفرت دیگران را نسبت به خود برمی‌انگیزد. برعکس کسی که متواضع و فروتن باشد همواره مورد لطف و عنایت دیگران قرار می‌گیرد. لقمان حکیم در خصوص مسائل اخلاقی و ارتباط با مردم و خویشتن، مواعظی دارد که نخست تواضع، فروتنی و خوش‌رویی را توصیه کرده و می‌گوید: « وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ؛ با بی‌اعتنایی از مردم روی مگردان «وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا»؛ مغرورانه بر زمین راه نرو، چراکه خداوند هیچ متکبر مغروری را دوست ندارد، «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ» (سوره لقمان، آیه 18) به این ترتیب لقمان حکیم به دو صفت بسیار زشت و ناپسند که مایه از هم پاشیدن روابط صمیمانه اجتماعی است، اشاره می‌کند: یکی تکبر و بی‌اعتنایی، و دیگر غرور و خودپسندی. هر دو در این جهت که انسان را در عالمی از توهم و پندار خودبرتربینی فرومی‌برند مشترک‌اند و رابطه وی با دیگران را قطع می‌کنند.

در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) آمده است: «کسی که از روی غرور و تکبر روی زمین راه رود، زمین و کسانی که در زیرزمین خفته‌اند و آن‌ها که روی زمین هستند، همه او را لعنت می‌کنند.» (حویزی، 1415ق، ج 4، ص 207)

### 3-2-2- بی‌صبری

13

صبر و تحمل ریشه‌ی همه‌ی فضیلت‌ها و محور تمام خوبی‌هاست و همه‌ی راه‌های کمال به آن ختم می‌شود و مهم‌ترین چیزی است که دیانت آن را اقتضا می‌کند و شریعت آن را لازم و ضروری می‌داند. در قرآن کریم، پس از ایمان به خدا، هیچ صفتی مانند صبر و تحمل ستایش و توصیه نشده است، به گونه‌ای که قریب هفتاد مرتبه از آن سخن به میان آمده است (مکارم شیرازی، 1384، ج 1، ص 518). خداوند مکرر در قرآن کریم، پیامبران، صدیقان و شهیدان و صالحان را، که بهترین بندگان خدایند، به صبر و استقامت فرامی‌خواند. برای نمونه، خطاب به رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ» (احقاف: 35)؛ همان‌گونه که پیامبران نستوه صبر کردند، صبر کن. خطاب به مؤمنان هم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (آل عمران: 200)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صبر کنید و ایستادگی ورزید و مرزها را نگهداری کنید و از خدا پروا نمایید، امید است که رستگار شوید.

علمای علم اخلاق بر اساس احادیث رسیده از معصومان، صبر و تحمل را برحسب متعلق آن، به سه شاخه تقسیم کرده‌اند که یکی از اقسام آن صبر بر اطاعت است (کلینی، 1407ق، ج 2، ص 9). منظور از آن، ایستادگی در برابر مشکلات و اطاعت از فرمان خداست که در قرآن کریم نیز بدان سفارش شده است؛ از جمله: «فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ» (مریم: 65)؛ او را بپرست و در پرستش او شکیباش. همچنین می‌فرماید: «وَ أَمْرٌ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا» (طه: 132)؛ و کسان خود را به نماز فرمان ده و خود بر آن شکیباش.

بی‌شک، سفارش به صبر و تحمل فقط منحصر در عبادت به معنای خاص آن نیست، بلکه استمرار در مسیر حق و پیمودن مسیر قانونی امور نیز نیازمند تحمل و صبر است؛ زیرا گاهی طولانی بودن روند قانونی یک کار، موجب می‌شود انسان حوصله‌ی پیمودن آن را نداشته باشد و از این‌رو، درصدد برمی‌آید مسیری را انتخاب کند که او را زودتر به مقصد و سرانجام برساند. گاهی لازمه‌ی انتخاب چنین مسیری زیر پا گذاشتن برخی حدود و قوانین است. برای مثال، مدیری برای انجام سریع یکی از امور مربوط به سازمان، مجبور است برخی امتیازات را به برخی افراد بدهد که به لحاظ قانونی، صحیح

نیست. بنابراین، گاهی عامل قانون‌گریزی و قانون‌شکنی، بی‌صبری و کم‌حوصلگی آنان در پیگیری امور از روند قانونی است.

امام صادق(ع) از کم‌حوصله بودن به‌عنوان کلید بدی‌ها یاد می‌کنند و می‌فرمایند: «از کم‌حوصلگی و تنبلی بپرهیز که این دو کلید هر بدی است» (حر عاملی، 1409ق، ج 12، ص 39). بنابراین، در جامعه نیز باید از هرگونه بی‌صبری و کم‌حوصلگی بپرهیزند و با رعایت اخلاق آستانه تحمل افراد بالا رود، چنان‌که امام علی(ع) به مالک اشتر توصیه می‌کنند که هر کاری را از مجرای قانونی آن پیگیری نموده، از هرگونه عجله و شتاب‌زدگی پرهیز کند: «بپرهیز از شتاب‌زدگی در کارهایی که وقت انجام دادنشان نرسیده است و از اهمال‌گری در کارهایی که وقت انجام دادنشان فرارسیده است و از لجاجت کردن در اموری که مبهم است و از سستی در کارها، آن هنگام که راه عمل روشن‌شده است. پس هر امری را در جای خویش قرار ده (از مجرای حقیقی خود پیگیری کن و انجام بده) و هر کاری را به‌موقع خود به انجام برسان» (نهج‌البلاغه، 1414ق، ص 430، نامه 53).

### 3-2-3- ظلم

ظلم، به معنای قرارداد چیزی در غیر جایگاه حق و اختصاصی و مناسب خودش است. در حقیقت ظلم به تجاوز از حقی گفته می‌شود که به‌منزله نقطه مرکزی دایره است. ظلم و ستم اجتماعی، در حقیقت به معنای نادیده گرفتن حقی از انسانی دیگر است، که حاصل آن عدم رعایت حقوق شهروندی خواهد بود.

### 3-2-4- بی‌ادبی

ادب تنها، کمال فرد نیست بلکه کمال و بهای جامعه نیز به ادب مربوط است. جامعه‌ای که در آن ادب حاکم نباشد، رشد و ارتقا و پیشرفت نیز نخواهد داشت. همچنین اگر در آن ادب پایدار باشد، تعالی و ترقی نیز در آن چشمگیر خواهد بود در جامعه‌ای که ادب وجود نداشته باشد، هیچ‌چیز در جای و جایگاه خود قرار ندارند و همه بیش‌ازحد و حریم خود ادعا و تمنا می‌کنند. (انصاریان، اخلاق خوبان، 1380، ص. 169)

ریشه لغوی ادب به دو نکته اشاره دارد: یکی اجتماع مردم و دیگری شایستگی کار. به علت همین دو نکته برخی ادعان داشته‌اند که انجام دادن کار به‌گونه‌ای که در جامعه نیکو و شایسته شمرده شود، ادب نامیده می‌شود. (هدایتی، 1382، ص. 169)

واژه ادب در قرآن به کار نرفته است، هرچند مفهوم آن بارها موردعنایت این کتاب آسمانی بوده، اما در احادیث اسلامی، ادب به‌عنوان یک اصل مهم فرهنگی، اخلاقی، اجتماعی، فراوان به‌کاررفته است. به فرموده امام علی (ع) ( لِكُلِّ أَمْرٍ أَدَبٌ، هر کاری ادب و آیینی دارد. (رک به غرر الحکم، ص 7280)

لازمه اجتناب از آنچه انسان از دیگران ناپسند می‌داند، تبلور ارزش‌های فطری، عقلی و اجتماعی در گفتار و کردار است. کسی که خود را متعهد به رعایت این ارزش‌ها کند، نیازی به مربی و مؤدب ندارد، چنانکه وقتی از عیسی (ع) پرسیدند: چه کسی تو را ادب آموخت؟ فرمود: ما اَدَبْنِي أَحَدٌ، رَأَيْتُ قُبْحَ الْجَهْلِ فَجَانَبْتُهُ. کسی مرا ادب نیاموخت، بلکه زشتی نادانی را دیدم و از آن دوری گزیدم. (محمدی ری‌شهری، بی‌تا، ج 2، ص 206)

فرد بی‌ادب خود را متعهد به اخلاق‌مداری و رعایت ارزش‌ها نمی‌داند و در نتیجه حقوق دیگران را رعایت نمی‌کند ، اما اهل ایمان گفتار و کردار آنان سرشار از ادب هست و در نتیجه‌ی این ادب و احترام حقوق افراد را رعایت می‌کنند . چنانکه پیامبر خدا در توصیف مؤمن فرمود : حَرَكَاتُهُ أَدَبٌ ( دانشنامه میزان الحکمه ، ج 2 ص 152) حرکات (رفتارهای ) او ادب است.

### 3-2-5- خشونت رفتاری

عدم پابندی فرد به اخلاق ، از عوامل فردی در بروز خشونت در جامعه است . فروم معتقد است که عدم ارضای نیازهای اساسی روانی انسان ، ایجاد حالتی در شخص می‌کند که «سرکوفتگی روانی» نامیده می‌شود و این سرکوفتگی روانی در مواقع مقتضی به شکل خشونت ، پرخاشگری و تهاجم و ویران‌سازی در جامعه یعنی به شکل عینی نمود پیدا می‌کند و گاهی نیز فرد عواقب ناشی از این سرکوفتگی را متوجه شخص خود می‌سازد . (فروم و ترجمه صبوری ، 1361، ج 3، ص. 57) اگر خشونت و خشم در جامعه‌ای افزایش پیدا کنند، میزان نزاع و درگیری بین مردم نیز افزایش پیدا خواهد کرد، خشونت سلامت روانی و امنیت اجتماعی جامعه را دچار مخاطره می‌کند و هر فرد در جامعه تنها به فکر منافع شخصی خود خواهد بود .

15

### 6- شاخص‌های اخلاقی پابندی به حقوق شهروندی

در علوم اجتماعی بر اساس ، سرمایه‌های اجتماعی (social capital) جامعه را مورد مطالعه قرار می‌دهند. سرمایه‌های اجتماعی به گونه‌های مختلف توسط پژوهشگران متفاوت تعریف شده است . (paxton 1995)، (putnam 1999)، (fukuyam 1995)

با بررسی نظرات ارائه‌شده می‌توان سرمایه اجتماعی را : مجموعه‌ای از هنجارها و ارزش‌ها و درکی دانست که همکاری درون گروه‌ها و بین گروه‌ها را در جهت کسب منافع متقابل تسهیل می‌کند .

«سرمایه اجتماعی ، یا بعد معنوی یک اجتماع ، میراثی تاریخی است که از طریق تشویق اراد به «همکاری» و «مشارکت» در تعاملات اجتماعی ، قادر است به حل میزان بیشتری از معضلات موجود در آن اجتماع ، فائق آید و حرکت به سوی رشد و توسعه شتابان اقتصادی ، سیاسی ، فرهنگی و ... را امکان‌پذیر سازد. (الوانی و نقوی ، مفاهیم و نظریه‌ها ، شماره 33 )

درواقع ، سرمایه اجتماعی را می‌توان در کنار سرمایه‌های اقتصادی و انسانی ، بخشی از ثروت ملی به حساب آورد که بستر مناسبی برای بهره‌برداری از سرمایه انسانی و فیزیکی (مادی) و راهی برای نیل به موفقیت قلمداد می‌شود . بدون سرمایه اجتماعی ، هیچ اجتماعی به هیچ سرمایه‌ای نمی‌رسد ، به طوری که بسیاری از گروه‌ها، سازمان‌ها و جوامع انسانی ، بدون سرمایه اقتصادی و صرفاً با تکیه بر سرمایه انسانی و اجتماعی توانسته‌اند به موفقیت دست یابند ، اما هیچ مجموعه انسانی ، بدون سرمایه اجتماعی نمی‌تواند اقدامات مفید و هدفمندی انجام دهد. (حق شناس ، بهمن 1384)

از سوی دیگر ، سرمایه اجتماعی ، به زندگی فرد ، معنی و مفهوم می‌بخشد و تعاملات افراد را ساده تر و لذت بخش تر می کند . پس به طور کلی می توان گفت : هر چه سرمایه اجتماعی ملتی بیشتر باشد ، آن ملت ، خوشبخت تر و ثروتمندتر خواهد بود.( الوانی و شیروانی ، سرمایه اجتماعی ، اصل محوری توسعه ، 1383، ص 27)

در تحقیقی که توسط لدمن و دیگران انجام شده است ، گفته شده که سرمایه‌های اجتماعی می‌تواند سطح خشونت در جامعه را پایین نگه دارد و در نتیجه از وقوع جرم و خشونت پیشگیری کند .این تحقیق در 39 کشور توسعه یافته و در حال توسعه انجام شده است.( Loyza ، Ledman ، Menendez ، 1999)

بنابراین سرمایه‌های اجتماعی به عنوان شاخصی در جهت میزان رعایت اخلاق محوری در جوامع ، قرار می‌گیرند ، اگر سرمایه‌های اجتماعی در جامعه‌ای زیاد باشد یعنی جامعه‌ای اخلاق مدار هست و به تبع آن ، میزان رعایت حقوق شهروندی بالا می‌رود ، اما اگر رذایل مثل ظلم و خشونت زیاد باشد ، رعایت نکردن حقوق یکدیگر نیز بالا خواهد رفت .

برخی از ابعاد جنبه‌ها و اشکال سرمایه اجتماعی - که گاه از آن‌ها به عنوان ارزش‌های اجتماعی نیز یاد می‌شود - عبارت‌اند از : ، تعاون ، مساوات ، اعتماد ، عدالت ، انصاف ، صداقت ، حسن تفاهم ، ، هم دردی ، دوستی ، همبستگی ، فداکاری و (بار محمد توسکی ، بی تا )

### نتیجه گیری

از آنجاکه تغییر اخلاق و رفتار برای انسان ممکن است؛ (چراکه اخلاق و رفتار، اعم از قبیح و جمیل اکتسابی است؛) تلاش در جهت پایبند بودن آحاد جامعه به اخلاق امری پذیرفتنی است. نظام اخلاق اسلام سرشار از فضایل و گزاره های اخلاقی است که فرد به وسیله تطبیق عملی آن‌ها ، توانایی اکمال دین خویش و گام برداشتن در مسیر اصلاح امور دنیا و آخرت خویش را کسب می‌کند. جایگاه و اهمیت اخلاق در زندگی اجتماعی تا بدان جاست که حتی عمل کردن به قوانین و مقررات اجتماعی نیز بدون پشتوانه اخلاق ممکن نیست. تعمیق اخلاق در افراد و نهادینه شدن اخلاق در جامعه ، جامعه ای اخلاق مدار را تشکیل می دهد که در این جامعه ، زمینه برای رعایت حقوق شهروندی محیا شده است .

وقتی برای جامعه ، خلیات خوب ، ملکه شد (یعنی رفتار خوب آنقدر تکرار شود که انسان بدون آنکه فکر کند خوب است یا بد ، آن را انجام دهد ) ، خود جامعه انصاف به خرج می‌دهد و جامعه تبدیل به مدینه فاضله خواهد شد ؛ مدینه فاضله ای که افراد با پایبندی به اخلاق ، پایبند به حقوق شهروندی خواهند بود.

### محدودیت‌های پژوهش

\_ نبودن جامعه آماری پژوهش از لحاظ انجام کارهای کمی

\_ نبود مطالعات تجربی درباره موضوع تحقیق و در راستای رابطه اخلاق مداری و حقوق شهروندی

### پیشنهادها



### پیشنهادهای پژوهشی

- پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های آینده، پژوهشگران رابطه اخلاق‌مداری با پایبندی به حقوق شهروندی را از طریق مطالعات و روش‌های آماری با استفاده از پرسشنامه‌های مناسب بررسی نمایند.
- بررسی مبانی حقوق شهروندی از نقطه نظرات اجتماعی و سیاسی

### پیشنهادهای کاربردی

- برنامه ریزان، سیاستمداران و نخبگان اجتماعی با طرح اخلاق‌مداری و حقوق و تعهدات ملازم آن در گفت‌وگوهای عمومی، سعی بر آشنا و آگاه نمودن شهروندان از حقوق، تعهداتشان و نیز برانگیختن آنان به مشارکت در اجرای این حقوق و تعهدات داشته باشند.
- اجرای حقوق شهروندی در گرو اجرای تعهدات و رعایت اخلاق است و تنها در صورت اجرای این تعهدات شهروندان می‌توانند حقوق خود را محقق سازند. با بررسی نظریات عنوان‌شده در رابطه با اخلاق‌مداری و حقوق و تعهدات شهروندی در این باره گام اساسی باید برداشت.
- پیشنهاد می‌گردد، متولیان امر در حوزه اجتماعی به تأثیر روش آموزش اخلاق‌مداری در اجتماع توجه ویژه‌ای نمایند و سیاست‌هایی در ارتقا اخلاق‌مداری را در جامعه ترسیم نمایند.

## منابع

### منابع فارسی و عربی :

- 1- قرآن
- 2- احمد بن فارس، ا. (1404ق، ج 6). معجم المقاییس اللغة. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- 3- اصغری، م. (1385، شماره 57). مبانی دین و توسعه در اندیشه شهید مطهری. اندیشه حوزه، 44-57.
- 4- الوانی، س.، و شیروانی، ع. (1383). سرمایه اجتماعی، اصل محوری توسعه. ماه نامه تدبیر، شماره 147.
- 5- الوانی، س.، و نقوی، م. (شماره 33). مفاهیم و نظریه ها. فصلنامه مطالعات مدیریت.
- 6- امینی، ا. (1384). آشنایی با اسلام. قم: موسسه بوستان کتاب.
- 7- انصاریان، ح. (1380). اخلاق خوبان. تهران: پیام آزادی.
- 8- آمدی، ع. (1410 ق). غرر الحکم و درر الحکم. قم: دارالکتاب اسلامی.
- 9- باقری، ف. (1398). رابطه اخلاق‌مداری با عملکرد شغلی و کیفیت شغلی کارکنان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید چمران اهواز.
- 10- جاودانی شاهدین، ح. (1388). درآمدی بر شناخت ابعاد تهاجم فرهنگی. مجله حوزه و دانشگاه، شماره 35.
- 11- جوادی آملی، و ویرایش علی اسلامی. (1378، ج 2). تسنیم (تفسیر قرآن کریم). قم: مرکز نشر اسراء.
- 12- حر عاملی، م. (1409ق، ج 20). وسائل الشیعه. قم: کتابچی.
- 13- حق شناس، م. (بهمن 1384). مفهوم سرمایه‌های اجتماعی و ابعاد آن. نشریه حدیث زندگی، شماره 27.
- 14- حکیمی، م.، حکیمی، م.، و مترجم: احمد آرام. (1395، ج 4). الحیاه. تهران: دلیل ما.
- 15- حویزی، ع. (1415ق، ج 4). تفسیر نورالتقلین. قم: اسماعیلیان.
- 16- راغب اصفهانی. (1412). مفردات فی الغریب القرآن. بیروت: دارالقلم.
- 17- زبیدی، م. (بی تا، ج 5). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دارالمکتب الحیاه.
- 18- صدوق، م. (1403). خصال. بیروت: جامعه مدرسین.
- 19- طبرسی، ح. (1377). مکارم الاخلاق. قم: شریف.
- 20- عمید، ح. (1382). فرهنگ فارسی عمید، ج 1، چاپ بست و ششم. تهران: امیرکبیر.
- 21- فارابی. (1993م). السیاسة المدینه. بیروت: دارالمشرق.
- 22- فارابی، ا. (1371). التنبیه علی سبیل السعاده. تهران: حکمت.
- 23- فروم، ا.، و ترجمه صبوری. (1361، ج 3). آناتومی ویران سازی انسان. تهران: پویش.
- 24- قیوم زاده، م.، و جهانگیری مقدم، ر. (1393). اخلاق‌مداری مبنای ارتقای حقوق شهروندی. پژوهش های اخلاقی 5(2)، 87-100.

- 25- کاتوزیان ، ن. (1385). فلسفه حقوق. تهران: شرکت سهامی انتشارات.
- 26- کلینی ، م. (1407ق ، ج 2). اصول کافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- 27- مجلسی، م. ( 1386ش، ج 5). بحار الانوار ،. بیروت: دارالحیاء التراث العربی.
- 28- محمدی ری شهری ، م. ( 1384 ، ج 2). دانشنامه میزان الحکمه. قم : دارالحدیث .
- 29- مطهری ، م. (1370). فلسفه اخلاق. تهران : صدرا .
- 30- مطهری ، م. (1372). مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی (ج 5) - جامعه و تاریخ . تهران : صدرا .
- 31- مطهری ، م. (1366، ج 22). مجموعه آثار شهید مطهری. تهران : صدرا .
- 32- مطهری ، م. (1381). اسلام و نیازهای زمان ،مجموعه آثار، ج 21. تهران: صدرا.
- 33- مکارم شیرازی ، ن. (1384). تفسیر نهج‌البلاغه . قم : مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع).
- 34- مهدوی کنی ، م.، و تلخیص و تنظیم : محمد سلمانی کیاسری . (1388). اخلاق عملی. قم : انتشارات مسجد مقدس جمکران .
- 35- میرزا رضایی، ع. (1383). اخلاص و ربا در قرآن و نهج‌البلاغه . قم : انتشارات مشهور.
- 36- نجاتی ، م.، و ترجمه عباس عرب . (1367). قرآن و روان شناسی. مشهد : آستان قدس رضوی ، بنیاد پژوهش های اسلامی .
- 37- نوری طبرسی، م. (1360، ج 1). مستدرک الوسائل. قم: موسسه آل بیت.
- 38- هدایتی، م. (1382). احیاء حیا. قم: کوثر غدیر.
- 39- یار محمد توسکی ، م. (بی تا). سرمایه اجتماعی . بی جا : پایگاه اینترنتی [www.pscin](http://www.pscin).

منابع انگلیسی :

- 1- fukuyama، f .(1995) .socialcapital and the global economy .*foreign affairs*.89-103
- 2- Ledman، D.، Loyza، N و ،.Menendez، A .(1999) .Violent crime: dose social capital matter?
- 3- paxton، p .(1999) .a multiple indicator assessment: is social capital declining in the united states *the american journal oe sociology*?.88-127
- 4- putnam، r .(1995) .biwling alone:americans declining social capital .*jornal of democracy*.65-78